تحلیلی بر ارائه برنامه اقتصادی مسعود پزشکیان

حداقل نیمچه کارشناس باشید!

اولین بخش از برنامه «میزگرد اقتصادی» شبکه یک رسانه ملی میزبان مسعود پزشکیان یکی از شش کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری آتی بود. در این برنامه که با حضور یک کاندیدا به همراه دو مشاور و در سمت مقابل با حضور سه کارشناس اقتصادی برگزار شد، پاسخ‌های قابل تامل مسعود پزشکیان، اغلب طرفداران وی را ناامید کرد. در ادامه به بررسی بخش‌هایی از اظهارات پزشکیان در این برنامه پرداخته شده است.

نه کروبی باش نه احمدی‌نژاد!

بسیاری از منتقدان مسعود پزشکیان می‌گویند تاکید بیش از حد او در رجوع به کارشناسان هم جنبه مثبت دارد هم جنبه منفی. به عبارتی وی از یک طرف به‌خوبی اشاره می‌کند که تصمیم‌های اقتصادی باید برمبنای مراجعه به دیدگاه‌های کارشناسی، تجربیات ملی و بین‌المللی و یاری جستن از دیدگاه‌های علمی تجربه شده باشد، اما در سویی دیگر وی بدون هیچ اشاره‌ای به رویکردهای کلان دولت احتمالی‌اش، همه سوال‌ها را به آینده و کارشناسان دولتش ارجاع می‌دهد. این درحالی است که نخبگان، دانشگاهیان و کف جامعه انتظار دارند رویکردهای کلان کاندیداها را بشنوند و برمبنای آن دست به انتخاب بزنند یعنی انتظار جامعه از مسعود پزشکیان یا هر شخص دیگری که داوطلب انتخابات ریاست‌جمهوری شده، این است که رویکردهای کلان خود را در موضوعاتی همچون کسری بودجه، ناترازی انرژی، صندوق‌های بازنشستگی، فساد، ناترازی نظام بانکی، رشد اقتصادی ناچیز، تورم بالا، فقر، روابط تجاری با خارج، تحریم‌ها و... به‌صورت کلی اعلام کرده و جزئیات آن را به کارشناسان بسپارد.

پرواضح است هر کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری هرچند هم فهم زیادی از علم اقتصاد نداشته باشد، باید یک تصویر کلان را در موضوع مورد اشاره (کسری بودجه، ناترازی انرژی، صندوق‌های بازنشستگی، فساد، ناترازی نظام بانکی، رشد اقتصادی ناچیز، تورم بالا، فقر، روابط تجاری با خارج، تحریم‌ها و...) دریافت کرده و آن تصویر کلان را به‌عنوان چراغ راه دولتش اعلام کند و در جزئیات این موضوعات را به مشاوران و کارشناسان بسپارد. این داشتن تصویر کلان باعث می‌شود کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری اولا دچار ۱- دولت آینده دچار اغتشاش فکری نشده و هر دو جریان رادیکال بازارگرا و جریان شبه‌علم اقتصادی خود را بر دولت تحمیل نکنند، ۲- ثانیا رئیس‌جمهور منتخب (کاندیدای فعلی) با این انتخاب چهارچوب کلی، همین حالا مشخص می‌کند که تیم اقتصادی وی چه کسانی خواهند بود و نگاه آنها برای رسیدن به این اهداف کلی چگونه خواهد بود و ۳- نکته سوم اینکه پرواضح است انتخاب رویکرد کلی کاندیداها باید اولا در تعارض با سیاست‌های کلی نظام و برنامه هفتم توسعه نباشد، ثانیا هر برنامه‌ای که یک پایش روی زمین نباشد (مبتنی بر واقعیت‌های اقتصاد ایران تجویز نشده باشد)، از نظر مردم و نخبگان انتظاری جز شکست برای آن قابل تصور نیست. بخش قابل تامل اظهارات مسعود پزشکیان در روزهای اخیر یادآور دو اتفاق تلخ در گذشته است. اولی اینکه مهدی کروبی از اولین نفراتی بود که به‌عنوان کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ مرتبا در هر موضوعی می‌گفت کارشناس نیست و ترجیح می‌دهد این سوال‌ها را به کارشناسان ارجاع دهد. در سویی دیگر محمود احمدی‌نژاد نیز مدعی بود «رئیس‌جمهور خودش باید صاحب‌نظر باشد، کارشناس ارشد باشد. تا یک کارشناس حرف زد باید بتواند حرفش را رد یا تایید کند، دو کارشناس دو حرف متناقض زدند شما از کجا متوجه می‌شوید کدام درست می‌گوید» اما آنچه در ادامه مشخص شد این بود که به اذعان اغلب کارشناسان و همراهان محمود احمدی‌نژاد، وی تنها دیدگاه کارشناسی را قبول داشت که صرفا مطابق با تصورات وی بوده، نه اینکه به‌لحاظ علمی و فنی مورد قبول کارشناسان معتبر باشد.

راهکار برای رفع ناترازی‌ها!

یکی از سوال‌های مهم این میزگرد از سوی محمدحسین حسین‌زاده بحرینی اقتصاددان و نماینده مجلس و کارشناس برنامه از مسعود پزشکیان پرسیده شد. حسین‌زاده بحرینی با طرح این موضوع که در مساله بنزین یک دیدگاه معتقد است باید قیمت را بالا برد تا مصرف کاهش پیدا کند، چون قیمت بنزین ارزان است و دیدگاه دیگر به‌شدت مخالف افزایش قیمت است، خطاب به این کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری گفت لطفا با صراحت پاسخ دهید اگر شما رئیس‌جمهور شوید، شش ماه بعد چه برنامه‌ای برای قیمت بنزین به مجلس می‌آورید؟ پزشکیان پاسخ داد: «هر حرکتی در مورد قیمت بنزین یا هر ناترازی بخواهیم انجام دهیم باید مردم را آماده کنیم. بدون مشارکت با مردم اجرای یک تصمیم نه علمی است نه قابل قبول. ما باید کاری کنیم نان‌آور، شرمنده زن و بچه خود نباشد. چطور می‌شود این کار را کرد؟ من نمی‌توانم نظر کارشناسی بدهم. کارشناس‌ها بحث می‌کنند و تجربه بین‌المللی را در نظر می‌گیرند و شرمساری نان‌آور را لحاظ می‌کنند.» وی درنهایت دیدگاه مشخصی درخصوص ناترازی انرژی ارائه نداد و صرفا مساله را به کارشناسان ارجاع داد.

برنامه برای تحول اقتصادی

مسعود پزشکیان در پاسخ به این سوال داود دانش جعفری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و کارشناس برنامه که پرسید با توجه به اهداف برنامه، تورم تک‌رقمی و رشد بالای ۸ درصد، جناب پزشکیان چطور می‌خواهید اقتصاد را متحول کنید؟ گفت: «مساله از نظر من خیلی روشن است. تمام دولت‌ها قرار بود ما را به آنجا برسانند، چرا نرسیدیم؟ وقتی عده‌ای کارشناس در سیستم هستند اما کارشناس نیستند و کالا دو ماه و یک سال و... در گمرک معطل می‌شود، وقتی وزارت صنعت هر روز یک بخشنامه صادر می‌کند و تولیدکننده نمی‌داند چه خاکی به سر کند، کار به جایی نمی‌برد. ما دنبال کارشناس نگشتیم و آدم‌هایی سر کار بودند که این‌کاره نبودند. من جراح را برای اقتصاد بگذارید کار را قطعا خراب می‌کنم.»

راهکار رفع تحریم‌ها

پاسخ‌های کلی و بدون رویکرد کلان پزشکیان تمامی نداشت. وی در پاسخ به سوال یحیی آل‌اسحاق دیگر کارشناس برنامه میزگرد اقتصادی که پرسید: «در حوزه تحریم چطور قصد حل تحریم‌ها را دارید؟ در حوزه روابط خارجی چه برنامه‌ای دارید؟ در حوزه بازرگانی قصد دخالت در قیمت‌گذاری دارید؟ در حوزه سیاست‌های پولی و بانکی یا نظام دیپلماسی چه وزنی برای جایگاه تجارت قائل هستید؟ وزیر امور خارجه شما چقدر باید دیدگاه اقتصادی داشته باشند؟» می‌گوید: «من متخصص نیستم اما براساس اصلاحاتی که در دنیا صورت گرفته، ما اگر قانون را اجرا کنیم قانون باید مسیر را مشخص کرده باشد. هر تغییری سه اصل دارد؛ اینکه چه کسی مسئول است و چگونه باید عمل کند و چگونه باید پاسخگو باشد. مجلس قانون می‌نویسد اما هر کس کار خود را می‌کند. قانون مبارزه با فساد می‌نویسند درحالی‌که اگر قوانین را اجرا کرده بودند هیچ فساد و رانتی صورت نمی‌گرفت.»

پاسخ به معضل کسری بودجه

پزشکیان در ادامه و در پاسخ به سوال داود دانش‌جعفری در نظام اداری کشور، یکی از مشکلات اصلی کسری بودجه دولت است و بسیاری معتقدند تورم بالا ریشه در کسری بودجه دارد، شما برای رفع کسری بودجه و اصلاح نظام مالی چه برنامه‌ای دارید؟ در پاسخ بیان کرد: «شما اینها را بهتر از من می‌دانید که از من سوال می‌کنید. کار سخت را راحت نمی‌توان انجام داد. اگر فقط بخواهیم در سیستم اداری مداخله کنیم، امکان ندارد به توقعی که انتظار داریم در آن سیستم اداری دست پیدا کنیم. ما نمی‌گوییم با اسرائیل دوست شویم اما می‌توانیم با کشورهای دیگر مذاکره کنیم که نمی‌کنیم. چه لزومی داشت سفارت عربستان و انگلستان را تخریب کنیم و آبروی خود را ببریم. ما به‌جای تنش‌زدایی دنبال تنش‌زایی هستیم.»

راهکار برای کوچک‌سازی دولت

در ادامه یحیی آل‌اسحاق با طرح این نکته که سهم دولت در اقتصاد ایران بسیار بالاست و رئیس دولت باید یک هدف و تارگت مشخص برای این موضوع داشته باشد، خطاب به پزشکیان گفت شما مردمی کردن را به چه معنایی می‌دانید؟ ذهنیت شما درخصوص پایان دوره اول شما حدس و دیدگاه‌تان در مورد میزان مالکیت مردم چقدر است؟ پزشکیان پاسخ داد: «سیاست‌های اجرا نشده این بلا را سر مردم آورده است. اینکه من چه خواهم کرد با توجه به ۳۰ سال سابقه، معتقدم براساس شواهد باید تصمیم‌گیری صورت گیرد. اگر کسی شواهد بیاورد، صاحب فرآیند است. اگر بدون شواهد بپذیرم خیانت کرده‌ام. باید به کارشناس بسپاریم و معتقد باشیم که هر کاری روش خود را دارد.»

رئیس‌جمهور باید بین هزینه و فایده‌ها تصمیم بگیرد

اظهارات مسعود پزشکیان در برنامه میزگرد اقتصادی با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد. برخی از طرفداران وی ارجاع همه مسائل کلان کشور به نظام کارشناسی را از ویژگی‌های مثبت و متمایز پزشکیان برشمردند، اما بسیاری از طرفداران یا افراد با گرایش اصلاح‌طلبی نیز بودند که این اظهارنظرها از سوی وی را ناامیدکننده دانستند. صادق‌الحسینی از چهره‌های رسانه‌ای درخصوص جهت‌گیری‌ها و پاسخ‌های پزشکیان در برنامه میزگرد اقتصادی در صفحه توییتر خود نوشت: «متاسفانه نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری گویی همگی در نقطه ضعف دولت قبل یعنی اغتشاش فکری و نداشتن برنامه اقتصادی مشترکند. جوری مقابل سوالات اقتصادی از ارجاع به کارشناس می‌گویند گویی همه کارشناسان یک نظر دارند! کسی که نامزد شده سال‌ها برای شنیدن و انتخاب نظر کارشناسی وقت داشته است.» صادق‌الحسینی در مناظره توییتری با محمد فاضلی، جامعه‌شناس و از چهره‌های موافق پزشکیان نیز به نکات دیگری از ضعف گفتمانی پزشکیان در میزگرد اقتصادی اشاره می‌کند. فاضلی در ابتدا می‌نویسد: «آقای پزشکیان رویه درستی را که می‌گویید «من کارشناس نیستم و کارشناسان باید بررسی و اجماع کنند تا مساله را تعریف و حل کنند» ادامه دهید. بالاخره باید فهم و رویه شود که رئیس‌جمهور پست سیاسی است و تخصصی نیست؛ و نباید خودش را متخصص هر عرصه‌ای بداند. رئیس‌جمهور هماهنگ‌کننده کلان است.» صادق‌الحسینی در پاسخ به فاضلی می‌نویسد: «مگر اجماع کارشناسی در موضوعات کلان ممکن است؟ همیشه نظرات مختلف و متضاد کارشناسی وجود دارد. کاری به آقای پزشکیان ندارم ولی نامزد ریاست‌جمهوری نباید قبل از انتخابات در مورد بحران‌های اصلی کشور به جمع‌بندی برسد و کارشناس خود را مشخص کند و آن جمع‌بندی را به رای مردم بگذارد؟»

فاضلی هم در پاسخ می‌نویسد: «نگاه محدودی به کارشناسی دارید. کارشناس خاصی هم مد نظر نیست. «اجتماع کارشناسان» وجود دارد و «گفتمان‌های کارشناسی». انتخاب رویکردها تابع تحلیل هزینه- فایده و فرآیند طی شده در سطح سیاسی و اجتماعی است. روش تعریف و حل مساله هم اهمیت دارد. روش‌های متعدد برای ارزیابی نظرات کارشناسی وجود دارد. در ضمن کارشناسی در سطح حکمرانی، امر فردی نیست. دستگاه‌های کارشناسی هست با انواع روش‌های راستی‌آزمایی و سیاستگذاری شواهدمحور.»

درنهایت صادق‌الحسینی در پاسخ فاضلی سوالش را این‌گونه مطرح می‌کند: «الان اجتماع کارشناسان در موضوع رفع بحران انرژی/ارز ترجیحی/ فقر/ نابرابری/ صندوق‌های بازنشستگی/ رشد اقتصادی پایین چیست؟ سوال بعدی این است که اگر «اجتماع کارشناسان» وجود دارد در این موارد چرا پس نامزدها نمی‌آیند نتایج رو واضح بگویند؟» مجید شاکری، دیگر کارشناس اقتصادی بود که نسبت ارجاع پاسخ همه سوال‌ها به کارشناسان در اظهارات برخی از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری واکنش نشان داد. شاکری در صفحه شخصی خود در توییتر می‌نویسد: «۱- اینکه بکوشیم ضعف یک کاندیدا را از طریق مشاور/ معاون/ ژنرال پوشانیم یا حوزه انتقال پیام او را از تصویر به متن ببریم، شاید در کمپین کار را در بیاورد ولی انصافا به کار اداره کشور نمی‌آید. ۲- رئیس‌جمهور باید بتواند بین هزینه و فایده‌های گوناگون تصمیم سیاسی بگیرد و این بدون داشتن ایده مرکزی عملا ممکن نیست. آیا بناست باز هم وقت کشور صرف تصمیم نگرفتن رئیس‌جمهور شود؟ ۳- مساله فن بیان یا تسلط کلامی موضوعاتی حاشیه‌ای است. یک نماینده با سابقه مجلس باید لااقل نسبت به برنامه هفتم که یک حسی داشته باشد. نباید بگذاریم در ذهن ما مصالح کمپین بر مصالح ملی غالب شود.»

سید عباس عباسپور، کارشناس نظام بانکی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

عوامل ناترازی بانک‌ها و مسئولیت دولت چهاردهم

سیدعباس عباسپور، کارشناس پول و بانک اندیشکده اقتصاد مقاومتی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره اولویت‌های اقتصادی دولت چهاردهم در حوزه نظام بانکی اظهار داشت: «اندیشکده اقتصاد مقاومتی در آستانه برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برای بهبود کیفیت تصمیم‌سازی در حوزه اقتصاد کشور و همچنین شاخص‌بندی و اولویت‌گذاری مسائل اقتصادی کشور یک بیانیه منتشر و یک بسته پیشنهادی تدوین کرد که در آن بتواند اولویت‌های کلان دولت چهاردهم را تبیین کند. در ابتدای این بیانیه این موضوع مطرح می‌شود که رئیس‌جمهور و دولت باید یک کلان‌ایده و دال مرکزی برای خود داشته باشد. در بسته پیشنهادی آمده است که کلان‌ایده دولت باید حتما ۴ مولفه را مدنظر قرار داده باشد و در همه تصمیم‌گیری‌های خود این مولفه‌ها را در نظر بگیرد.

۱- مولفه اول موضوع بی‌اثر کردن تحریم‌هاست. بر این اساس بی‌اثر کردن تحریم‌ها مقدمه بر هرگونه گشایش اقتصادی و هر اقدامی در حوزه تصمیمات داخلی کشور و در حوزه سیاست‌های خارجی است. تا زمانی که تحریم‌ها در فضای بین‌المللی موثر واقع شده و توانسته کشور را از مسیر پیشرفت خود کمی عقب براند و بر فضای اقتصادی کشور اعم از تورم و رشد اقتصادی تاثیر بگذارد، تحریم هیچ‌وقت برداشته نمی‌شود.

۲- مولفه دوم بحث توسعه صنعتی از طریق صنایع کارخانه‌ای پیشران و مولد است که می‌تواند صادرات و ارزآوری کشور را تا حد خوبی تامین کند.

۳- مولفه سوم تنظیم نرخ بهینه تورم حول محور برنامه توسعه صنعتی است. اینکه بخواهید به هر قیمتی اعم از سیاست‌های شدید انقباضی به سمت تورم‌های خیلی پایین گام بردارید، قابل قبول نیست. دولت باید در ابتدا تلاش کند نوسان‌ها و جهش‌های تورمی را کنترل کند و کشور را از این لحاظ به ثبات برساند.

۴- مولفه چهارم این است که دولت چهاردهم باید یک بسته معیشتی هوشمند و قابل برنامه‌ریزی را تدارک ببیند تا از طریق این بسته، از آسیب دیدن بخش بسیاری از خانوارهایی که ممکن است در برابر تورم صدمه ببینند، جلوگیری کند. این بسته معیشتی نباید در کشمکش سیاست‌گذاری‌های ارزی و انرژی کشور گم شود. این سیاست‌گذاری‌های معیشتی نباید با سیاست‌های کلان دیگر ترکیب شود. این ۴ مولفه حول کلان‌ایده مطرح می‌شود و کل مانیفست این بیانیه را تشکیل می‌دهد.» وی افزود: «در ادامه نیز بر ۱۰ کلان مساله اولویت‌دار در حوزه‌های تامین ارز در خصوص ارز ترجیحی، متنوع‌سازی واردات کالاهای اساسی، زنجیره ارزش نفت و گاز، تورم و چگونگی ترتیب دادن سیاست‌های پولی مربوط به کاهش و مهار تورم، تامین مسکن مورد نیاز خانوار و... بحث می‌کند.»

سیاست‌های پولی و بانکی از دولت یازدهم تا سیزدهم

عباسپور پیرامون سیاست‌های پولی و بانکی دولت‌ها تصریح کرد: «یکی از بخش‌های بیانیه، اولویت‌های کشور در حوزه سیاست‌های پولی و بانکی است. بررسی سیاست‌های کلی پولی و بانکی جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته نشان می‌دهد بعد از دهه ۹۰ با پاگرفتن بانک‌های خصوصی در کشور و با توجه به سیاست‌های دولت یازدهم و دوازدهم به ویژه از سال ۹۲ به بعد، دولت و بانک مرکزی تلاش کردند با یک سری سیاست‌های انقباضی از طریق افزایش نرخ‌های بهره و مشخصا نرخ‌های سود سپرده از طریق کنترل پایه پولی و کنترل استقراض دولت و بانک‌ها از بانک مرکزی به سمت کنترل رشد نقدینگی و کنترل تورم حرکت کنند. این سیاست به چیزی غیر از هدف مورد نظر سیاستگذار رسید و هدف مورد نظر بعد از مدتی دست نیافتنی شد. علت این امر این بود افزایش نرخ سپرده سبب شد ما شاهد شکل‌گیری یک رابطه و رقابت در شبکه بانکی باشیم که درنتیجه آن رقابت یک جنگ سپرده در میان بانک‌ها شکل گرفت که در نهایت سبب بروز ناترازی در شبکه بانکی شد. از سوی دیگر نیز عدم کنترل رشد نقدینگی سبب افزایش پایه پولی از محل اضافه برداشت شد و سیاستگذار نتوانست به اهداف خود دست پیدا کند و کشور به واسطه نرخ‌های سود سپرده بالایی که به سپرده‌های بانکی تعلق می‌گرفت و نرخ بهره واقعی مثبتی که در اقتصاد شکل گرفته بود عملا با یک رکود عمیق دست‌وپنجه نرم می‌کرد. باید توجه داشت که در طی آن سال‌ها به واسطه انتظارات تورمی که بسیار پایین بود و همچنین گشایش‌های ارزی تا حدی تورم کنترل شد اما این کنترل تورم خیلی مربوط سیاست‌های پولی و سیاست‌های مالی بانک مرکزی و دولت نبود.»

پارادایم شیفت بانک مرکزی از روحانی تا شهید رئیسی

عباسپور در ادامه گفت: «بعد از پایان دولت یازدهم و دوازدهم در دولت سیزدهم و از سال ۱۴۰۰ به بعد ما شاهد این بودیم که سیاست پولی بانک مرکزی و به دنبال آن وزارت اقتصاد تا حدی از لحاظ تاکتیکی دچار تغییر شد. بر این اساس بانک مرکزی برای اولین بار سعی کرد از رویکرد نظری متعارف اقتصادی که پایه پولی و پول قدرت بانک مرکزی را منبع و منشأ افزایش نقدینگی می‌دانست فاصله بگیرد و به جای اینکه پایه پولی را کنترل کند، بر کنترل مصارف پول که همان نقدینگی در دست بانک‌هاست تمرکز کرد. سیاستگذار در این حوزه تا حدی موفق بود و با کنترلی که بر روی کل‌های پولی و کنترل ترازنامه بانک‌ها انجام شد، برای اولین بار بعد از انقلاب، بانک مرکزی توانست به هدفی که برای کنترل نقدینگی داشت برسد و بتواند حداقل هدف میانی خود را محقق کند. این سیاست با نقاط تاریکی هم همراه بود. نکته اول بحث چالش تامین مالی شرکت‌ها بود؛ وقتی رشد نقدینگی در یک برنامه ۲ تا ۳ ساله از ۴۰ درصد به ۲۵ درصد می‌رسد، کشور با یک خشکی تسهیلات و منابع بانکی روبه‌رو می‌شود که عده‌ای از تسهیلات‌گیرندگان که شرکت‌های کوچک و متوسط هستند دچار برون‌رانی از باشگاه تسهیلات‌گیرندگان می‌شوند.»

این کارشناس سیاست‌های پولی و بانکی تکمیل کرد: «در کنار این عوامل بانک مرکزی در حوزه سیاست‌های مربوط به بازار بین‌بانکی یک رویکرد اشتباه را در پیش گرفت؛ بر این اساس بانک مرکزی با اینکه کل‌های پولی را محدود کرده بود، در لایه پایه پولی هم اجازه نداد پایه پولی در حد متعارف خود که مورد نیاز شبکه بانکی برای تامین ذخایر است، استفاده شود. کار به جایی رسید که میزان نسبت ذخایر مازاد شبکه بانکی به کل ذخایر شبکه بانکی به پایین‌ترین حد ممکن خود رسید. توصیه می‌شود بانک مرکزی برای برون‌رفت از این چالش سیاست پولی فعالانه‌ای را در بازار بین‌بانکی درپیش بگیرد تا بتواند با فراغ بال بیشتر و روی گشاده‌تری با بازار بین‌بانکی رفتار کند و از سوی دیگر بتواند تا حدی به خطوط اعتباری پاسخ دهد تا چالشی که در خصوص اضافه برداشت بانک‌ها به وجود آمده است و قحطی نقدینگی و منابع در لایه ذخایر بانک‌ها که باعث جنگ سپرده در سال‌های اخیر شده، رفع شود و نرخ‌های بهره به صورت پسینی تا حدی کاهش پیدا کند تا فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های مولد توجیه‌پذیری اقتصادی داشته باشد.»

عوامل ناترازی بانک‌ها

عباسپور درباره عوامل ناترازی سیستم بانکی گفت: «در حوزه سیاست‌های بانک مرکزی در حوزه بازار بین‌بانکی و سود سپرده که در سالیان اخیر باعث ناترازی بانک‌ها شده، عدم وجود یک برنامه مشخص اصول حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی ما و تعارض منافعی که میان مدیران بانک‌ها، سهام‌داران و فعالان اقتصادی وجود داشت، سبب شد یک سری از منابع بانکی به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق پیدا کند و از طرفی بانک‌ها برای اینکه بتوانند منابع و سپرده‌هایی را نزد خود حفظ کنند از طرق مختلفی وارد این بازی شدند که با نرخ‌های بهره بالا سپرده‌ها را در خود حفظ کنند و از بانک‌های دیگر جذب سپرده کنند. در شبکه بانکی از مسیرهای مختلفی شاهد ناترازی هستیم و می‌بینیم که بانک‌ها به این ناترازی دامن می‌زنند. بانک‌ها از طریق پرداخت سودهای قطعی و خلق پول، سمت ترازنامه خود را متورم می‌کنند. زمانی که می‌خواهند از تسهیلات کسب درآمد کنند، چون این درآمد تعهدی است و بعضا به‌خاطر غیرجاری شدن، امهال، تجدید یا تشدید تسهیلات، به حدی که در سمت چپ سود سپرده افزایش پیدا می‌کند، در سمت راست سود تسهیلات دریافت نمی‌شود. نتیجه این امر زیان انباشته بانک‌ها و کوچک شدن سرمایه بانک‌هاست.»

عباسپور در این باره ادامه داد: «از سوی دیگر نیز با توجه به برنامه بانک مرکزی مبتنی بر تزریق قطره‌چکانی ذخایر به بانک‌ها، بانک‌ها با کمبود ذخایر و منابع برای پرداخت ذخایر قانونی و تسویه بین‌بانکی مواجه هستند و باید برداشت کنند. این اضافه برداشت در قالب بدهی به بانک مرکزی و یا از طریق بین‌بانکی در قالب بدهی به سایر بانک‌ها و موسسات اعتباری در ترازنامه بانک‌ها خود را نشان می‌دهد. این عمل و کنش بانک‌ها سبب عمیق شدن ناترازی در شبکه بانکی می‌شود. یکی از محل‌های بروز ناترازی در شبکه بانکی، بنگاه‌داری غیرمولد است. بنگاه‌داری مخرب در شرایطی شکل می‌گیرد که سرمایه‌گذاری بانک در حوزه تولید و افزایش ارزش افزوده در اقتصاد کشور به صورت ملموس نیست. ورود بانک‌ها در بخش املاک و مستغلات و بنگاه‌داری در این حوزه سبب شده بخش قابل توجهی از منابع بانک‌ها صرف خرید املاک و دارایی‌های ثابتی شود که اثر مثبتی بر تامین مالی تولید و افزایش ارزش افزوده در اقتصاد کشور ندارد که از سودآوری با کیفیت بانک‌ها جلوگیری می‌کند.»

۲ راه نجات سیستم بانکی

عباسپور ضمن تاکید بر دو راه حل در حوزه نظام بانکی مطرح کرد: «ما دو راه پیش روی خود داریم؛ اول اینکه بتوانیم یک نظام نظارتی خیلی قوی در بانک مرکزی و شبکه بانکی مستقر کنیم تا بتوانیم از آن طریق، بانک‌ها را به ریل برگردانیم. این امر می‌تواند کمی از وضعیت وخیم شبکه بانکی بکاهد. از سوی دیگر افزایش نظارت بانک مرکزی می‌تواند به بهبود اوضاع کمک کند، بستر افزایش نظارت با تصویب قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فراهم شده و خردادماه امسال اجرایی می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که این نظارت و تنظیم‌گری برای اینکه بتوانیم یک شبکه بانکی فعال و منضبط در تولید داشته باشیم، کافی نیست بلکه نیاز داریم بانک مرکزی رویکرد خود را از انفعالی صرفا ثبات‌گرا تغییر دهد و به سمت توسعه‌گرایی با سیاست‌های پولی فعالانه حرکت کند و از طریق یک برنامه و کنش هدایت اعتبار قدم بردارد.»

عباسپور افزود: «هدایت اعتبار بانکی، تسهیلات تکلیفی نیست. هدایت اعتبار بانکی تسهیلات تبصره بودجه نیست. هدایت اعتبار بانکی همه آن چیزی که سیاستگذار تاکنون اجرا کرده نیست، بلکه هدایت اعتبار بانکی اتصال یک سری قواعد و سیاست‌ها و بسترها برای بانک مرکزی است که بتواند نفع اقتصادی فعالان اقتصادی را که می‌خواهند در جهت پروژه‌های پیشران اقتصادی تسهیلات دریافت کنند، تامین کند. این سیاست فعالانه بانک مرکزی که از طریق هدایت اعتبار و تزریق منابع بانکی به فعالیت‌های پیشران اقتصاد کشور انجام می‌شود باید با هدف ایجاد ارزش افزوده در زنجیره‌های تولید، افزایش صادرات و تامین مالی و جبران کسری تراز پرداخت‌ها در کشور باشد و بتواند سیاست اعتباری بانک مرکزی را هم به مانند سیاست پولی و ارزی فعال کند و درنتیجه به بهبود شاخص‌های اقتصاد کلان کشور کمک کند. تا وقتی که شبکه بانکی، بانک مرکزی و دولت و در راس آن ریاست محترم جمهور در یک خواست مشترک با هم به توافق نرسند و در آن راستا برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور و جهش اقتصاد تلاش نکنند، شاید به صورت تصادفی شاهد یک سری روزنه در فضای اقتصاد باشیم اما مطمئنا رشدهای اقتصادی پایدار و اشتغال پایدار و تورم‌های پایین را تجربه نخواهیم کرد.»

شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۶۲
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم